

املاي تقريری

تاریخ املا: ۲۷ / ۱ / ۱۳

خورشید گفت: «چه شد که به دریا آمدید؟»

قطره گفت: «ما اول ابر بودیم. ناگهان باد تند و وزید. باد ما را به این طرف و آن طرف

برد. باران شدید و روی دریا باریدیم.»

خورشید لبخندی زد و گفت: «عزیزم، هیچ ناراحت نباش! من می توانم دوباره شما را به شکل

ابر خندان دریا آورم.»

خورشید با و نور خود را روی قطره های آب پاشید. آن ها آرام آرام بخار شدند و به شکل یک تکه

ابر کوچک و خندان در آمدند.